

انقلاب در همه جای جهان مثبت و سکوی پرتابی به سوی پیشرفت است.

هنگامی در جامعه تغییر و تحول شکل می گیرد که بین قدرت سیاسی (حکومت) و قدرت اجتماعی (مردم) اختلاف بوجود آید. در نتیجه عدم تعادل بوجود می آید که مردم حکومت را به رسمیت نمی شناسند. یعنی حکومت فاقد کارآیی مناسب برای اداره ی جامعه می شود. در این جامعه ممکن است سه تحول عمده شکل گیرد : ۱- کودتا ۲- انقلاب ۳- Reform

کودتا : در جوامعی شکل می گیرد که نظام سیاسی برپایه ی پادشاهی (استبدادی) باشد و مردم مشارکت سیاسی نداشته باشند .

انقلاب : در جوامعی شکل می گیرد که :

۱- پادشاهی و استبدادی باشد.

۲- آگاهی و مشارکت سیاسی نسبی وجود داشته باشد .

Reform: در جوامعی شکل میگیرد که نظام سیاسی آنها مبتنی بر قدرت اجتماعی باشد نه سیاسی.

الف . مفاهیم و کلیات

مفهوم انقلاب :

انقلاب از جمله مفاهیم سیاسی است که می توان سابقه آن را حتی در پیش از دوران باستان نیز جستجو کرد. در این دوران انقلاب بیشتر به معنای هرگونه تغییر و تحول خشونت آمیز معنا می دهد. و در آثار افرادی چون سقراط، افلاطون و ارسطو به معنای تحول اجتماعی حاد مطرح می شود.

انقلاب از کلمه ی Revolution گرفته شده که از جمله اصطلاحات علم اخترشناسی بوده و به معنای چرخش دورانی افلاک و بازگشت ستارگان به جای اول می باشد. از لحاظ لغوی به معنی تغییر و تحول و از حالی به حال دیگر شدن و درواقع دگرگونی است.

مفهوم انقلاب برای نخستین بار در دوران پس از رنسانس، به معنای متداول آن طرح و مورد بررسی قرار گرفت و در این میان از اندیشمندان بنامی چون؛ ماکیاوول، لاک، هابز و هامیلتون یاد کرد.

از لحاظ اصطلاحی صدها تعریف برای آن ذکر کرده اند. انقلاب‌ها را در همه ی ابعاد (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) تعریف نموده اند. با توجه به تعاریف مختلفی که از انقلاب وجود دارد به نظر می رسد که رسیدن به مفهوم واحد و مشترک از این پدیده مشکل می نماید. در همین راستا با تقسیم همه تعاریف به دو بخش تعریف حداقلی گرا و حداکثر گرا از انقلاب می توان زمینه ایجاد یک ذهنیت مشترک از انقلاب را پدید آورد.

۱- تعاریف حداقلی گرا: طبق این تعریف، هر نوع تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه بدون توجه به نوع و جهت تغییر و یا تغییر ارزش های جامعه را به عنوان انقلاب تلقی می کنند، چه منجر به نتیجه شود یا نه. (حتی کودتا و شورش) مانند انقلاب مخملی یا همان جنگ نرم.

۲- تعاریف حداکثرگرا: طبق این تعریف، انقلاب در مفهوم وسیعتر و جامعتر دگرگونی و با توجه به تغییرات بنیانی در همه ارزش ها و نهادهای مسلط می باشد که از آن به عنوان انقلاب کبیر یاد می کنند.

بنابراین تعریف جامع از انقلاب عبارت است از: انقلاب حرکتی مردمی است در جهت تغییر سریع و بنیانی ارزش ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش ها و فعالیت های حکومتی یک جامعه که توأم با خشونت داخلی باشد. که طبق این تعریف ۷ ویژگی برای انقلاب قابل ذکر است که انقلاب را با سایر تحولات و خشونت های سیاسی مدنی متمایز می کند.

۱. گسترش ایدئولوژی(های) جدید جایگزین: گسترش ایدئولوژی انقلابی از آن جهت برای وقوع انقلاب ضرورت دارد که محرک افراد در عمل علیه حکومت عقاید و افکارشان است. هر اندیشه ای شامل دو عنصر جهان بینی و ایدئولوژی است. جهان بینی به هست ها و نیست ها می پردازد، در حای که ایدئولوژی به بایدها و نبایدها مربوط می شود. بایدها و نبایدهای سیاسی ممکن است بخشی از یک اندیشه باشند. در مورد آرمان هایی که بر ذهن انقلابیان مسلط می شود، معمولا از عنوان ایدئولوژی انقلابی استفاده می شود. ایدئولوژی ها در هر انقلابی نقش مستقیم در چگونگی پیروزی انقلاب، نوع نظام حکومتی جایگزین و حتی مراحل و تحولات پس از پیروزی انقلاب دارد.

۲. گسترش روحیه انقلابی: روحیه انقلابی یک پدیده روان شناختی و مرحله ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است و منظور از آن روحیه طرفداری از عمل و اقدام علیه نظام حاکم است که با چنین روحیه ای، فرد دارای اعتماد به نفس قوی است و در مقابل اقدامات اصلاحی یا سرکوبگرانه حکومت ایستادگی می کند. قوت و اقتدار روحیه انقلابی نیز به عوامل مختلفی مانند ویژگی های تاریخی و فرهنگی، نوع ایدئولوژی انقلابی، مجموعه ویژگی ها و اقدامات پیشین حکومت و غیره بستگی دارد.

۳. وجود رهبری و ساختارهای دارای نقش بسیج گر: هرچند ممکن است تفاوت های آشکاری بین انقلاب ها در نوع رهبری وجود داشته باشد، اما همه انقلاب ها رهبران خاص خود را داشته اند. نقش رهبری، تحریک نارضایتی از وضع موجود، برانگیختن روحیه انقلابی، بیان و گسترش اندیشه ها و ایدئولوژی های جدید جایگزین، تنظیم و برنامه

ریزی راهبردها و تاکتیک های حرکت انقلابی، بسیج و به صحنه آوردن توده ها، ایجاد نظام سیاسی جدید و تلاش در جهت رساندن جامعه به اهداف وشعارهای انقلاب پس از پیروزی است. رهبری گاهی در یک شخص خاص متجلی می شود و زمانی نیز رهبری عمدتاً در یک ساختار متمرکز می شود، البته حتی در این نوع از انقلاب ها نیز نباید نقش برجسته تر برخی از افراد نسبت به سایرین در حرکت انقلابی را از نظر دور داشت؛ مانند نقش احمدبن بلا در انقلاب ۱۹۶۲ الجزایر نسبت به سایر اعضای جبهه نجات ملی الجزایر. و در برخی از انقلاب ها رهبری در اختیار یک شخص و یک ساختار است، مانند رهبری لنین و حزب بلشویک در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه.

۴. مشارکت مردمی: بدین معنا که باید حداقل بخشی قابل توجه از توده ها در انقلاب مشارکت نموده، سایرین نیز عملاً به مخالفت با آن ها نپردازند، بلکه در مقابل تحولات سکوت کرده و به اعتراض آن ها رضایت دهند. بنابراین میزان مشارکت مردم در انقلاب ها متفاوت است: در انقلاب روسیه و چین تعداد توده های شرکت کننده نسبت به ساسرین رقم پایینی بود، اما در انقلاب اسلامی ایران بیشتر مردم (شهری و روستایی) شرکت داشتند.

۵. وجود عنصر خشونت: منظور از خشونت مجموعه اقدامات غیر قانونی انقلابیون مانند اعتصابات و تظاهرات غیر قانونی، ترور، زد و خورد با گاردهای حکومتی، شیشه شکستن و غیره و اقدامات حکومت در سرکوبی اعتصابات و انقلابیان است. میزان خشونت در هر انقلابی بسته به ویژگی های فرهنگی مردم، نوع نیروهای مسلح، نوع رژیم ها و شرایط خاص داخلی و بین المللی متفاوت است. میزان تلفات در هر انقلاب بازگو کننده میزان خشونت است که حکومت اعمال کرده و با راهبردها و تاکتیک های انقلابی ها نیز مرتبط است. در انقلاب هایی که در آن ها مردم با بیگانگان درگیر می شوند، معمولاً میزان کشته ها بالا است. نظیر انقلاب الجزایر که حدود یک میلیون نفر کشته شدند.

۶. تغییر زیر بنایی در ساختارهای رسمی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی: انقلاب ها را با توجه به تغییراتی که می آفرینند به انقلاب سیاسی و انقلاب اجتماعی تقسیم کرده اند. در انقلاب سیاسی حداکثر، نوع نظام سیاسی تغییر می کند. اما در انقلاب های اجتماعی یا بزرگ، علاوه بر تغییر حکومت، در ساختارهای رسمی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، سیاست خارجی و طبقه حاکم نیز تغییرات اساسی روی می دهد.

۷. نارضایتی عمیق و انقلابی از وضع موجود: هر چند که نارضایتی، اولین عنصر مهم در وقوع هر انقلاب است، اما هر نارضایتی را نارضایتی انقلابی نمی گوئیم. نارضایتی انقلابی که باید حداقل در بخشی از نخبگان و توده ها ظهور کند و می تواند در جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دیده شود، نارضایتی هایی است که به حد ناامیدی از بهبودی شرایط رسیده باشد.

شرایط و ویژگی های هفتگانه ای که بدین صورت توصیف گردید، به صورت ویژه ای در انقلاب اسلامی ایران مشاهده می شود.

نهضت : movement

حرکتی فکری و فرهنگی دائمی و دراز مدت است که معمولاً ممکن است انقلاب فقط بخشی از آن بشمار آید. و ممکن است به انقلاب منجر نشود. یعنی نهضت فراگیرتر از انقلاب است. رابطه‌ی نهضت و انقلاب یک رابطه‌ی عام و خاص است. (مثل نهضت خمینی (ره) که منجر به انقلاب شد.)

اصلاح Reform:

به معنی حرکتی آرام و معتدل در جهت تغییر روبنایی ساختارهای سیاسی و اجتماعی است که فاقد خشونت می باشد. رفورم از بالا شکل می گیرد، اما انقلاب از پایین و توسط مردم شکل می گیرد. رفورم را به اصلاح ترجمه کرده اند، که در این جا یک سوال پیش می آید و آن اینکه امام حسین(ع) علت قیام و خروج خود را اصلاح امت جدش می داند. در اینجا حرکت امام حسین(ع) اصلاح بوده و رفورم فاقد خشونت است، پس چگونه حرکت اصلاحی امام(ع) با خشونت همراه بود؟

برای پاسخ به این سوال باید فرق های رفورم و اصلاح را بدانیم:

۱- اصلاح واژه ای عربی است به معنای به سامان آوردن نابسامانی ها، و خواستگاه کلمه ی اصلاح عربی است.

اصلاح در متون دینی در ۳ حیطة بررسی می شود:

الف- حیطة ی فردی: بنا به فرموده ی امام علی (ع) - عاجزترین فرد، کسی است که نسبت به اصلاح نفس خویش عاجز باشد - اولین کاربرد واژه اصلاح، تهذیب نفس است.

ب- اصلاح بین دو طرف یا ذات البین (که در اینجا حتی دروغ گفتن جهت سازش برقرار کردن بین دو نفر و دو... حرمت ندارد)

ج- اصلاح اجتماعی: که این نوع از اصلاح، هدف بعثت تمام انبیاء و امامت تمام ائمه است. که اگر صورت نگیرد، زمینه ی سعادت بشر فراهم نمی گردد. مهمترین روش آن « امر به معروف و نهی از منکر » است و این واجب شده تا فاسدان بر نیکان مسلط نشوند. این روش تا جنگ و جهاد هم پیش می رود، اما هدف آن قدرت طلبی نیست. پس انقلاب از مراحل اصلاح اجتماعی است.

۲. رفورم خواستگارش غرب است. تا قرن ۱۶ میلادی کلیسا بر همه حکومت داشت (شیوع خرافات). با پیدایش مذهب پروتستان ، انباشت سرمایه آغاز شد . آنها معتقد بودند که حکومت کلیسا را باید کنار گذاشت ، زیرا این آیین ، آیین واقعی مسیحیت نیست و در تعارض بین علم و دین باید علم گرایی رونق یابد .

رفورماسیون مذهبی : واژه ای برای تمام تغییرات اصلاحی در همه ی مرحله ها گردید.

بنابراین انقلاب ، اصلاح اجتماعی است ، اما رفورم خیر .

شورش : revolt

حرکتی مقطعی (اعتراض و طغیان علیه حکومت) با هدفی خاص که بدون وحدت ، ایدئولوژی و اندیشه جدید جایگزین ، و برنامه ای برای تغییر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و مشارکت مردمی است.

اگر شورش در راستای انقلاب باشد ، دارای رهبر خواهد بود. که در این صورت شورش مقدمه حرکت انقلابی قرار می گیرد.

کودتا : coup detat

کودتا اقدام سریع گروهی از نظامیان علیه یک رژیم سیاسی است که ممکن است با تغییر در ساختارهای اجتماعی همراه نباشد و معمولاً فاقد مشارکت مردمی است. بنابراین کودتا از بالا صورت می گیرد ولی انقلاب از پایین شکل می گیرد.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. حسین بشیریه، تئوری انقلابها، نهضت های رهایی بخش، تهران: د.امام صادق، ۱۳۶۸

۲. هانا آرنه، انقلاب ، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱

۳. علی اکبر، تئوری انقلابها، نهضت های رهایی بخش، تهران: د.امام صادق، ۱۳۶۶

۴. هربرت مارکوزه، کارل رپوپر، انقلاب یا اصلاح، ترجمه هوشنگ وزیری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱

۵. پیتز کال ورت، انقلاب ، تهران: د. تهران، ۱۳۵۸

۶. محمد رضا حاتمی ، نظریه انقلاب در اسلام ، ، تهران: سازمان تبلیغات، ۱۳۷۷

۷. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، تهران: سازمان لغتنامه،

۸. ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم، ۱۳۷۰

۹. ابوالفضل عزتی، اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات هدی، بی تا.

۱۰. جلال الدین فارسی، انقلاب تکاملی اسلام، تهران: انتشارات آسیا، ۲۵۳۵

۱۱. حمید عنایت، انقلاب در ایران سال ۱۹۷۹؛ مذهب به عنوان ایدئولوژی سیاسی،

۱۲. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران، قم: نشر معارف، ۱۳۸۴

۱۳. مجموعه مقالات اصلاحات و پرسشهای اساسی، تهران: موسسه نشر و تحقیقات زکر، ۱۳۸۰

۱۴. فصلنامه کتاب نقد ش ۱۶ «اصلاحات»، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹

۱۵. منوچهر محمدی، انقلاب اسلامی؛ زمینه ها و پیامدها، قم: نشر معارف، ۱۳۸۰

ب. چرایی انقلاب

در پاسخ به این سؤال که انقلاب چرا رخ می دهد؟، هر فرضیه یا نظریه ای معمولا چند عامل کلیدی را از بررسی خود نتیجه می گیرد. از زمان وقوع انقلاب اسلامی نویسندگان بسیاری درباره آن و زمینه ها، علل و عوامل وقوع آن به بحث و بررسی پرداخته اند.

حجم گسترده آثار و نوشته ها در خصوص انقلاب اسلامی ایران دلایل مختلفی دارد، جایگاه محوری ایران پیش از انقلاب در راهبرد منطقه ای آمریکا، وابستگی و نیاز جهان به نفت خاورمیانه و خلیج فارس، ماهیت انقلاب اسلامی و بی سابقه بودن وقوع چنین انقلابی در عصر حاضر و تصور صاحب نظران پدیده انقلاب مبنی بر این که انقلاب های جدید پدیده هایی دنیوی هستند، از دلایل مهم و قابل توجه رویکرد نویسندگان به تحلیل و بررسی انقلاب اسلامی ایران بوده است. گرچه آثار و نوشته های غربی درباره انقلاب اسلامی از آفت و نقص های زیادی برخوردار است و نمی تواند انقلاب اسلامی ایران را بدرستی تبیین کند که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. بیش تر نظریه های انقلاب مبنی بر بررسی یک تا سه و گاه تا پنج انقلاب معاصر است. به دلیل تفاوت های ماهوی بین انقلاب ها، نمی توان نتیجه بررسی چند انقلاب را به همه انقلاب ها تعمیم داد.

۲. برخی از نظریه های انقلاب مفاهیم اصلی موجود در مطالب خود را به طور روشن توضیح نداده اند. نظیر نظریه دیویس

۳. برخی دیگر از نظریه های انقلاب تحلیل خود را بر پایه یک سری عقاید نادرست و یا غیر معتبر درباره انسان، جامعه انسانی، دولت و تاریخ بشری بنا کرده اند. در صورتی که ارتباط تنگاتنگی میان مفاد نظریه و این مبانی وجود داشته باشد، آن نظریه نیز غیر معتبر خواهد بود. نظیر نظریه مارکس

دیدگاه ها و نوشته های فرهنگی

منظور از دیدگاه ها و نوشته های فرهنگی، آن دسته از دیدگاه ها است که نقش یک یا تعدادی از عوامل زیر را در رخداد انقلاب اسلامی اصلی یا کلیدی دانسته اند: دیدگاه هایی که هدف اصلی انقلاب را تحکیم اسلام و تشکیل جمهوری اسلامی دانسته اند، دیدگاه هایی که علت وقوع انقلاب اسلامی را مبارزه رژیم پهلوی با مظاهر اسلامی و فرهنگ اسلامی برشمرده اند، دیدگاه هایی که به نقش ایدئولوژی تشیع تأکید کرده اند، دیدگاه هایی که به نقش رهبری مذهبی حضرت امام (ره) و ساختارهای مذهبی جامعه نظیر روحانیت و مساجد در تدوین راهبرد و تاکتیک های حرکت انقلابی اشاره کرده اند و دیدگاه هایی که بر مبنای نظریه های گفتمان به تحلیل علل وقوع انقلاب اسلامی پرداخته اند.

دیدگاه ها و نظرات الف. امام خمینی (ره) ب. استاد شهید مرتضی مطهری ج. حمید عنایت د. سید حمید روحانی ه. علی دوانی و. عباسعلی عمید زنجانی ز. منوچهر محمدی ح. میشل فوکو ط. حامد الگاری ی. سعید ارجمند ک. محمد شفیعی فر ل. حمید پارسانیا م. محمد باقر حشمت زاده ن. حمید رضا اخوان مفرد س. خانم لیلی عشقی ع. نظریه گفتمان و انقلاب اسلامی

دیدگاه ها و نوشته های جامعه شناختی

منظور از دیدگاه ها و نوشته های جامعه شناختی آن دسته از آثار و نوشته ها است که در تحلیل خود نقش عوامل جامعه شناختی مانند نظام اجتماعی، طبقات اجتماعی و قشر بندی اجتماعی را در درجه اول اهمیت تلقی کرده و یا مبنای تحلیل خود را بر یکی از نظریه های جامعه شناسی از قبیل نظریه کارکردگرا- ساختاری و نظریه ماکس وبر قرار داده اند. و نوشته هایی که برای بررسی رخداد انقلاب به بررسی نقش و رابطه هر یک از گروه های اجتماعی مانند دهقانان، کارگران، روشنفکران، روحانیان، طبقه متوسط شهری، ارتش، بوروکراسی و غیره در سیاست و با سیاست در سال های پایانی رژیم پیشین پرداخته اند.

آثار جامعه شناختی در تحلیل انقلاب اسلامی ایران عمدتاً در سه گرایش دسته بندی شده اند:

الف. نظریه کارکردگرا- ساختاری چالمرز جانسون و انقلاب اسلامی

این دیدگاه در نقطه مقابل نظریه مارکسی انقلاب که تضاد را چهره اساسی جامعه می دانست و تغییر و تحولات تاریخی را دارای جنبه ای خشونت آمیز قلمداد می کرد، قرار دارد. این نظریه، جامعه را ماهیتاً رضایتی و اتحاد افراد

بر یک سری اصول مشترک می‌داند. طبق این دیدگاه، یکی از ویژگی‌های اساسی نظام یا سیستم اجتماعی، وجود ساخت ارزشی خاصی است که اعضای جامعه بر آن توافق دارند. مهمترین کارکرد نظام ارزشی، مشروعیت بخشی به بهره‌برداری از قدرت (مقننه، مجریه، قضائیه و نیروی قهریه) است.

به نظر جانسون انقلاب در اثر پیدایی سه عامل متوالی از دست رفتن تعادل (رکود قدرت)، انعطاف ناپذیری نخبگان و عوامل شتاب‌زا (گسستن استحکام نیروی نظامی و تأثیر بر انضباط، فرماندهی و وفاداری نظامیان و تزلزل در ارتش) به وقوع می‌پیوندد.

انقلاب اسلامی و شرایط سه‌گانه: در زمان وقوع انقلاب اسلامی هرچند شرط اول و سوم وجود داشت، اما به دلیل این که شرط دوم وقوع انقلاب (انعطاف ناپذیری نخبگان) وجود نداشت، براساس نظریه جانسون باید تعادل به جامعه باز می‌گشت؛ اما چنین نشد و هر روز بر شدت انقلاب افزوده شد. همچنین وی برای خصوصیات فردی مانند روش تبلیغی ماهرانه و زیرکی و هوشیاری رهبری انقلاب که می‌تواند در موقعیت‌های خاص مؤثر افتد، نقش چندانی قائل نشده است.

ب. نظریه کاریسمای ماکس وبر

برخی از نویسندگان در تحلیل علل وقوع انقلاب اسلامی از نظریه ماکس وبر بهره‌گرفته‌اند. وبر سه نوع مشروعیت و سلطه را باز شناخته است: ۱. سلطه و مشروعیت قانونی (این مشروعیت سرشت عقلانی دارد، و بارزترین نمونه آن بوروکراسی (دیوان سالاری) است). ۲. سلطه و مشروعیت سنتی (اعتقاد بر قداست سنت‌های موجود، مانند سلطه پیرسالاری، پاتریارکالیسم، پاتریمونیاالیسم و سلطانی) و ۳. سلطه و مشروعیت کاریسماتیک (فرهمندانه) (که بر مبنای اعتقاد افراد به ارزش‌های شخصی یک مرد استثنایی که از قداست، تهور یا... مایه می‌گیرد استوار است، و مبنای سلطه کاریسمایی عاطفی است نه عقلانی) سلطه کاریسماتیک رایج‌ترین وسیله سرنگون کردن سلطه‌های قانونی یا سنتی است، بنابراین یک قدرت انقلابی است.

ارزیابی

اولاً؛ نگاهی به ویژگی‌های سلطه کاریسماتیک نشان می‌دهد که کسانی که در تحلیل علل وقوع انقلاب اسلامی از این نظریه بهره‌گرفته‌اند از حقیقت بدورند. ثانیاً؛ نظریه کاریسمای در بستر فرهنگی و تئوریک غرب شکل گرفته و هیچ درصدی از آن برای تحلیل جامعه ایران و رهبری انقلاب اسلامی مفید نیست. در نظر وبر، کاریسمای دارای جنبه‌های غیر عقلانی و احساسی و عاطفی است، اما انتخاب قالب رهبری کاریسماتیک برای امام (ره) غیر منطقی به نظر می‌رسد.

ج. نوشته‌های مبتنی بر بررسی نقش جامعه شناختی گروه‌های اجتماعی

دیدگاه ها و نوشته های روان شناختی

منظور از دیدگاه ها و نوشته های روان شناختی آن دسته از آثار و نوشته های مربوط به وقوع انقلاب اسلامی است که نقش عوامل روانشناختی و فرایندهای ذهنی از قبیل عوامل شخصیتی، افزایش توقعات و انتظارات، سرکوبی - پرخاشگری و محرومیت نسبی را در درجه اول اهمیت قرار داده و برجسته کرده اند. و میان آن ها، دو گرایش کلی دیده می شود:

الف. روانشناسی فردی و انقلاب اسلامی: ماروین زونیس

وی در کتاب شکست شاهانه با توجه به محور بودن شخص محمد رضا شاه در حکومت و نقش تعیین کننده تصمیمات فردی او، به بررسی روانشناسی شخصیت وی پرداخته است. وی علت وقوع انقلاب در ایران را شخصیت متزلزل، مردد و فاقد اعتماد به نفس محمد رضا شاه (به دلیل نحوه تربیت کودکی و نوجوانی) می داند که نتوانست در جریان انقلاب ایستادگی کند و تسلیم انقلاب شد.

به نظر ایشان تا زمانی که عواملی نظیر ارنست پرون (دوست دوران دبیرستان روزه در سوئیس که همراه شاه به ایران آمده بود)، اسدالله علم (دوست مادام العمر شاه)، اشرف خواهر دوقلوی شاه، اعتماد شاه به حمایت الهی و تصور شاه از پشتیبانی جدی آمریکا، قدرت روانی لازم برای تداوم حکومت را در اختیار داشت، مشکلی پیش نیامد. اما زمانی که انقلاب آغاز شد، همه این عوامل از دست رفته بودند و بنابراین محمد رضای تنها در مقابل انقلاب به زانو درآمد.

ارزیابی

اولاً؛ هرچند تحلیل های مربوط به روانشناسی فردی می تواند برخی از زوایای وقوع یک حرکت را شرح دهد، اما افق تحلیل چنین روشی بسیار محدود است؛ چرا که انقلاب ها با مجموعه ای از شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سروکار دارند. ثانیاً؛ این مطلب که اگر محمد رضا شاه با شدت بیشتری به سرکوبی انقلابی ها می پرداخت موفق به حفظ قدرت خود می شد نیز اشتباه است؛ زیرا تجربه بی فایده کشتار ۱۷ شهریور و استراتژی و تاکتیک های حضرت امام (ره) از جمله توصیه به عدم درگیری با نیروهای مسلح و اهدای گل و فرار نظامیان، رژیم شاه را از کاربرد شدیدتر نیروهای مسلح در سرکوبی انقلابی ها محروم ساخت.

ب. روانشناسی اجتماعی و انقلاب؛ نظریه های افزایش انتظارات

ریشه نظریه های افزایش انتظارات به تحلیل دوتوکویل از انقلاب فرانسه بر می گردد. به نظر وی انقلاب غالباً زمانی پیش می آید که مردم یکباره دریابند که حکومت ستمگر فشارش را تخفیف داده است؛ آن گاه است که علیه

حکومت قیام می کنند و به نظر ایشان علت این امر افزایش انتظارات و توقعات عمومی برای بهبودی سریع و کامل اوضاع است.

اما باید به خاطر داشت که انقلاب یک پدیده خلق الساعه نیست و با فرهنگ و تاریخ کشورها پیوند دارد.

کرین برینتون

وی با بررسی رژیم های پیشین در چهار کشور انگلستان، آمریکا، فرانسه و روسیه مدعی وجود هفت نوع یکنواختی در آن ها شده است.

در مجموع، هرچند برینتون یکنواختی های به دست آمده را درباره چهار انقلاب مورد نظر تعمیم داده است، اما به نظر می رسد این موارد بیش تر با انقلاب فرانسه هم خوانی دارد، درباره انقلاب های دیگر با مشکلات جدی روبرو است. انقلاب اسلامی ایران نیز چالشی برای بیش تر این یکنواختی ها است..

سایر نظریه های افزایش انتظارات

۱. جیمز دیویس و منحنی J

به اعتقاد دیویس احتمال وقوع انقلاب ها زمانی است که مدتی طولانی از توسعه عینی اقتصادی و اجتماعی توسط یک دوره کوتاه مدت عقب گرد سریع دنبال شود. وجود نارضایتی انقلاب را می سازد ، نه شرایط قابل لمس عرضه کافی یا ناکافی غذا ، برابری یا آزادی .

دوره طولانی رشد و شکوفایی + دوره ای کوتاه رکود سریع -انقلاب

نقد و ارزیابی:

۱. جوامع از نظر روحیه عمومی ، ویژگی های فرهنگی ، سابقه تاریخی و ... متفاوت هستند.

۲. مفاهیم موجود در نظریه ایشان مبهم و تعریف نشده هستند.

۳. در مورد تطبیق این نظریه بر انقلاب اسلامی ایران ، در صورتی درست است که اهداف و آرمان های انقلاب با دستاوردهای قبلی مردم که در زمان رکود از آنها سلب شده است دقیقاً تطبیق کند ، در حالی که این چنین نبوده است.

۴. در ایران قبل از انقلاب، با توجه به تولید ناخالص ملی ، علی رغم بهبودی طولانی در زندگی مردم ، فاصله و شکاف بین دریافت ها و انتظارات به حد غیرقابل تحمل نرسیده بود.

ایشان در کتاب «دولت و انقلاب در ایران (۱۹۶۲-۱۹۸۲)» معتقد است که تحولات ایران در دوره ۱۹۷۳-۱۹۷۸ با نظریه دیویس مطابقت دارد.

دوره برخورداری : سه سال متعاقب افزایش قیمت ، سال‌های برخورداری است که بودجه از ۳۶ میلیارد دلار به ۶۹ میلیارد می رسد.

دوره بحران: با کاهش درآمد نفت از اواسط ۱۹۷۶ ، درآمدهای دولت و واردات و نیز سوبسیدها به شدت کاهش یافت و تورم به سرعت افزایش یافت . جمع این دو دوره حکومت را ضعیف کرد و موقعیت انقلابی را بوجود آورد.

ارزیابی :

۱. تحلیل اقتصادی و تاحدودی سیاسی است .

۲. مطالب بشیریه در مورد دوره برخورداری اقتصادی قبل از انقلاب با نظریه دیویس تطبیق نمی کند.

۳. به نظر ایشان در دوره بحران اقتصادی باز هم رشد وجود داشته است.

۴. نقدهای پیش گفته در مورد نظریه دیویس در مورد نظر بشیریه هم جاری است.

ب (نیکی آر.کدی در مقاله « انقلاب ایران در چشم انداز تطبیقی ... »

وی نیز از الگوی دیویس و نظریه برینتون برای تحلیل انقلاب اسلامی و نیز انقلاب مشروطه بهره می برد. به اعتقاد ایشان ، وجود پیشینه مشکلات سیاسی ، اقتصادی یک رژیم کهن ، پیش از هر دو انقلاب قرن بیستمی ایران ، انفعال سیاسی روشنفکران و نخبگان و حرکت تدریجی و غیرمنتظره تظاهرات و رادیکالیزه شدن سبب انقلاب شد.

ارزیابی : در مورد انقلاب اسلامی ، نظریه برینتون صادق نیست ، چون برینتون به هفت یکنواختی در قبل از انقلاب اشاره دارد که کدی فقط به یک مورد یعنی انفعال روشنفکران اشاره دارد.

دیدگاه‌ها و نوشته‌های اقتصادی

منظور دیدگاه‌هایی است که نقش اقتصاد و عوامل اقتصادی را در انقلاب برجسته می دانند.

الف (نظریه مارکسی انقلاب

نظریه مارکسی بر این پیش فرض‌ها مبتنی است : مفهوم دیالکتیک هگل ، مادی گرایی دیالکتیک ، مادی گرایی اقتصادی ، مادی گرایی تاریخی و مبارزات طبقاتی . در این نظریه انقلاب ، از خود بیگانگی و آگاهی طبقاتی دو مرحله لازم برای وقوع انقلاب هستند.

ارزیابی :

۱. سستی بسیاری از پیش فرض‌های این نظریه توسط نویسندگان تبیین شده است.

۲. عدم توجه به نقش تفکر، اراده ، اختیار و ... انسان در تحولاتی مثل انقلاب .

نوشته های مبتنی بر نظریه های مارکسی ، مارکسیستی و نئومارکسیستی

۱. مارکسیست‌ها و انقلاب اسلامی در یک معرفی کلی

مشکل اصلی اینان بهره گیری از کلیشه هایی مانند تحلیل طبقاتی است . برخی از اینها انقلاب اسلامی را انقلاب نمی دانند ، بلکه یک قیام و رخداد می دانند. و گروهی دیگر که آن را انقلاب می دانند سعی می کنند که کلیشه های خود را بر آن تطبیق دهند. هیچکدام از اینان به ماهیت مذهبی و شعارهای مذهبی انقلاب اسلامی توجهی نکرده اند.

۲. گروه های مارکسیست ایرانی

مارکسیسم در ایران به دو دلیل ماهیت ضد مذهبی و وابستگی به شوروی نتوانست گسترش پیدا کند. از گروه چپ که این چنین به تحلیل انقلاب پرداخته اند عبارت اند از :

(۱) حزب توده : تحلیل این حزب از انقلاب کاملا اقتصادی بود . به طوری که خراب شدن وضع اقتصادی و واکنش زحمتکشان در قبال آن از اوایل سال ۱۳۵۶ به انقلاب گرایید.

(۲) چریک های فدایی خلق : اینان نیز تحلیلی کاملا اقتصادی از انقلاب دادند. اینان از یک طرف انقلاب را نتیجه سال ها تحقیر ، رنج و غارت و تخریب حلبی آباد در ۱۳۵۶ و در پی آن قیام مردم قم و طلاب می دانند. و از سوی دیگر بحران های اردوگاه امپریالیستی را عامل وقوع انقلاب می دانند.

(۳) سازمان مجاهدین خلق ایران : تحلیل اینان نیز مانند چریکهای فدایی خلق است ، اما بیان نمی کنند که چرا و چگونه توده به یک باره در سال ۵۶ به صحنه آمدند.

۴) حزب کارگران سوسیالیست: اینها علت اصلی انقلاب را مسائل اقتصادی و بحران سرمایه داری جهانی می دانند که باعث تورم و افزایش قیمت کالاهای وارداتی شد که موجب تضاد بین مقامات درباره چگونگی برخورد با انی معضل شد و رژیم فروپاشید.

ب) نوشته های اقتصادی غیرمارکسیستی : هوشنگ امیراحمدی

وی در مقاله « انقلاب های طبقه متوسط در جهان سوم » معتقد است در انقلاب های طبقه متوسط ، هم سرمایه داری هم سوسیالیسم مورد حمله قرار می گیرد و به یک راه سوم توسعه که عناصری از هر دو الگو را با ویژگی های فرهنگی و مذهبی در هم می آمیزد تمسک جسته می شود . او راه سوم توسعه که توسط انقلابیون ایرانی برگزیده شد را دارای سه هدف بنیادین استقلال ملی ، عدالت اجتماعی و دموکراسی که همگی از جنبه های اسلامی و ملی برخوردار است .

ارزیابی :

۱. آیا می توان انقلاب ایران را یک انقلاب طبقه متوسط نامید ؟ در حالی که این انقلاب ماهیتی عقیدتی و اساسا مذهبی دارد نه اقتصادی .

۲. جدا کردن زمینه های وقوع انقلاب از ایدئولوژی و رهبری آن است .

۳. نتایج ناشی از وابستگی به سرمایه داری جهانی در جهان سوم می تواند در زمینه سازی نارضایتی موثر باشد ، ولی با انقلابی با ویژگی های انقلاب ایران می توان چنین سریع به بسیج مردم پردازد.

دیدگاهها و نوشته های سیاسی

دیدگاه هایی که علل وقوع انقلاب را به یک یا بیشتر از موارد سیاسی تاکید کرده است .

الف) تاکید بر نقش عامل استبداد : صادق زیباکلام

ایشان در کتاب « مقدمه ای بر انقلاب اسلامی » در تحلیل انقلاب چنین استدلال می کند: ۱. همه وجه مشترک همه بینادگراها شورش علیه استبداد است ؛ ۲. همه شورش ها در ایران معاصر شورش علیه استبداد بوده ؛ ۳. ایجاد خلل در فضای استبدادی و ایجاد شوری در این فضا ؛ ۴. شعار حقوق بشر کارتر ؛ ۵. دیکته فضای باز سیاسی به ایران توسط غرب ؛ ۶. توسعه نامتوازن عامل وقوع انقلاب اسلامی است.

ارزیابی :

۱. بدیهی است که استبداد از عوامل انقلاب بوده است.

۲. آیا درست نیست که به مذهب به عنوان عامل اصلی و استبداد به عنوان عوامل درجه دوم نگاه کنیم.

۳. آیا استبداد و سیاست حقوق بشر کارتر فقط در ایران اجرا شد؟

ب) بهره گیری از نظریه بسیج منابع : محمدهادی سمتی

ایشان از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی بهره برده است. تیلی به تشریح دو مدل جامعه سیاسی و بسیج، نظریه انقلاب خود را توضیح می دهد: مدل جامعه سیاسی عبارت اند از جمعیت، حکومت، یک یا چند مدعی قدرت، یک جامعه سیاسی و یک یا چند ائتلاف. درباره مدل بسیج نیز با پنج مولفه مشخص می کند: منافع، سازمان متحدکننده، بسیج، کنش جمعی، فرصت.

ارزیابی :

۱. عدم توجه کافی به زمینه ها و علل ایجاد حرکت انقلابی ؛

۲. تقلیل جنبش اجتماعی به تشکیلات تجاری یا صنایع و نادیده گرفتن ایدئولوژی و نمادها ؛

۳. این نوع نظریه ها برای تحلیل جنبش ها و انقلاب ها در جوامع سیاسی دموکراتیک به کار نمی آید.

۴. تحلیلی ناقص است و به دانش ما چیزی اضافه نمی کند.

سمتی از نظریه تیلی برای تحلیل انقلاب ایران استفاده کرده است .

به اعتقاد وی در مقاله « نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی » مدل تیلی ما را قادر می سازد که بیش از دیگر نظریات به رابطه متقابل بین ساختار و کارگزار در تحول انقلاب بپردازیم و آن را در مرکز تجزیه و تحلیل قرار دهیم . به نظر سمتی ، ظهور و تثبیت سرمایه داری دولتی تحصیل دار در ایران زمینه (ساختار) را برای بسیج (کارگزار) فراهم کرد: دولت ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ یک دولت تحصیلدار آسیب پذیر در مقابل نوسانات اقتصادی داخلی و جهانی بود. در مقابل در فرایند بسیج سیاسی پنج مدعی اصلی در مبارزه علیه شاه یعنی روحانیت ، روشنفکران ، طبقه متوسط جدید ، بازار و طبقه کارگر بودند که روحانیون و بازار بر دیگران پیشی گرفتند. وی به انتقادهایی از نظریه تیلی هم پرداخته است.

ارزیابی :

۱. به چارچوب نظریه بسیج منابع وفادار نمانده است.

۲. نقاط ضعف مدل تیلی را ذکر کرده که از امتیازات آن به شمار می رود.

۳. تحلیل علل بر مبنای دولت تحصیل دار یک تحلیل صرف اقتصادی است.

ج) فرضیه های توطئه و نوشته های مبتنی بر آن

توهم توطئه نوعی بیماری روانی فردی و جمعی است. بیماری فردی سوء ظن به همه چیز و همه کس را «پارانویا» و بیماری جمعی را «توهم توطئه» می نامند. کسی که به توهم توطئه در مفهوم اخیر آن مبتلا است، تمام وقایع عمده سیاسی و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی (نظیر انقلاب ها، شورش ها، جنگ ها و...) را در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و سازمان های مخوف سیاسی و اقتصادی و حتی مذهبی وابسته به آن سیاست می پندارد. توهم توطئه در باور عمومی همه کشورها کم و بیش دیده می شود. اما به نظر می رسد که این گرایش اعتقادی در خاورمیانه، به ویژه در میان ایرانیان نسبت به دیگر جوامع شایع تر است.

این که می گویم، «توهم توطئه» نوعی بیماری است، بدین معنا نیست که اساساً هیچ توطئه ای در هیچ موردی در کار نیست و آنچه توطئه خوانده می شود، همه از باب خواب و خیال و توهم است. بلکه منظور آن است که مقوله «توطئه» را به دو گونه می توان بررسی کرد: یکی برخورد آفاقی و علمی و دیگری برخورد انفسی و عاطفی و بیمار گونه. در برداشت علمی، «توطئه» به عنوان فرضیه ای در نظر می آید که قابل رد یا اثبات است، و در پرتو داده های عینی و اسناد و مدارک تاریخی و بدون جانبداری عاطفی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. حال آنکه «توهم توطئه» از اعتقاد راسخ و جزمی و تعبدی به نوع خاصی از توطئه شکل می گیرد و همچون سایر اعتقادات، در قلمرو بررسی و تحلیل علمی قرار نمی گیرد و از این رو قابل اثبات یا رد و انکار نیست.

ایمان به توهم توطئه از نظر پیامدها یا کارکردهای روانی و اجتماعی، برای کسانی که به آن اعتقاد دارند، آرامش خاطر می آورد و همچون ساز و کارهای دفاعی روانی این فرصت را به آنان می دهد تا از خود رفع مسئولیت کنند و همه تقصیرها را به گردن توطئه بیگانگان بیندازند. درباره توطئه و توهم آن سه مفهوم متمایز وجود دارد: یکی توطئه چینی، یا توطئه واقعی؛ دوم توطئه پرداززی یا ساختن و پرداختن و اشاعه طرح های توطئه آمیز است؛ و سوم پذیرش این پرداخته ها از سوی بخش عمده ای از جامعه، که آن را توهم توطئه می خوانیم.

توهم توطئه غالباً از سوی دولت ها و نیروهای درگیر داخلی ساخته و پرداخته می شود و به صورت جزوه ای و کتابی و خبری پخش می شود. اما آنچه از نظر روانشناسان اجتماعی اهمیت دارد، پخش پیام نیست، بلکه میزان تأثیرپذیری پیام است.

برخی معتقدند که انقلاب اسلامی که انقلاب اسلامی در حقیقت یک توطئه از قبل طرح ریزی شده توسط قدرت های خارجی برای ساقط نمودن رژیم شاه بود.

طرفداران این تز در ابتدا بیشتر اعضای خانواده سلطنتی، بالاخصشخص شاه، دربار، برخی از مقامات ارشد رژیم پیشین، اقشار مرفه و وابستگان به رژیم، بعضی از سران نظامی و انتظامی رژیم پهلوی بودند. اما اختلافات و مشکلات بعد از انقلاب، به تدریج اقشار بیشتری را به سوی این تحلیل کشاند. طرفداران فرضیه های توطئه نوعا غرب و بالاخص آمریکا و انگلیس را متهم به خالی نمودن زیر پای شاه می کنند. البته اقلیت کوچکی پای شرق و شوروی سابق را نیز به میان می کشند. در پاسخ اینکه انگیزه غرب برای از میان برداشتن شاه چه می توانسته بوده باشد نظر واحدی وجود ندارد.

برخی معتقدند که انگلیس می خواست از شاه بخاطر نزدیک شدنش به امریکا انتقام بگیرد. برخی دیگر معتقدند که غرب می خواست شاه را به سبب نقشش در افزایش قیمت نفت در اوپک تنبیه نماید. شماری نیز معتقد بودند ایران در سال های آخر رژیم سریعا به سمت پیشرفت و صنعتی شدن حرکت می نمود. غرب که بازارهای خود را در خطر می دید رژیم شاه را سرنگون نمود تا جلوی بوجود آمدن «ژاپن دومی» را بگیرد. و بالاخره نظر دیگر معتقد است که ایران قربانی بده بستان دو ابرقدرت شد؛ آمریکا ایران را داد تا در جای دیگر از شوروی امتیاز بگیرد. این طرز بینش نسبت به انقلاب اسلامی در بسیاری از نوشته ها و تحلیل های سلطنت طلبان به چشم می خورد. کیهان(چاپ لندن به سردبیری مصباح زاده) که ارگان غیر رسمی سلطنت طلبان می باشد معمولا در بر گیرنده این گونه تحلیل هاست. نوشته های داریوش همایون (وزیر اطلاعات رژیم شاه) بر همین سیاق است. از جمله رساله وی پیرامون انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۶۰ در خارج از کشور تحت عنوان «دیروز، امروز، فردا، سه گفتار پیرامون انقلاب اسلامی» به چاپ رسیده است. کتاب «پاسخ به تاریخ» محمد رضا شاه و بسیاری از مصاحبه های رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتیش بعد از خروج از ایران در سال ۵۷ نیز مملو از متهم نمودن غربی ها به دست داشتن در انقلاب می باشد نظرات و استنباطات بسیاری از سلطنت طلب ها، از جمله شاه، که در اثر «ویلیام شوکراس» تحت عنوان «آخرین سفر شاه» ظاهر شده است مبین چنین نگرشی از سوی آنان نسبت به انقلاب اسلامی است. مشابه نظرات سلطنت طلب ها را برخی دیگر نیز مستقیما یا تلویحا اظهار داشته اند. از جمله نخست وزیر شاه، شاهپور بختیار، در اثرش پیرامون انقلاب اسلامی تحت عنوان «یک رنگی» آمریکایی ها را متهم به سازش با مخالفین رژیم شاه نموده و رئیس ستاد مشترک ارتش شاه، قره باغی و ژنرال هایزر را به عنوان بازیگران اصلی این نقشه محکوم می نماید.

اگرچه فرضیه توطئه نوعا بین سلطنت طلب ها طرفدار دارد، اما برخی از مارکسیست های ایرانی نیز به شکل دیگری به آن دست یازیده اند. به اعتقاد آن ها، در نتیجه تضادهای درونی رژیم در سال های آخر عمر آن در ایران شرایط عینی و ذهنی انقلاب بوجود آمده بود و کشور می رفت تا پذیرای انقلاب شود. اما امریکا به موقع دخالت نمود و با توطئه چینی انقلاب اسلامی را بوجود آورد تا جنبش را منحرف نموده و به زعم آنان جلوی بروز یک انقلاب واقعی (مارکسیستی) را بگیرد.

جدا از این توهامات، فرضیه های توطئه به اشکال دیگری نیز خود نمایی می کنند. از جمله این که غربی می خواستند ذخایر ارزی ایران و کشورهای عربی نفت خیز را (که به دنبال افزایش ناگهانی قیمت نفت در بانک های غربی اندوخته شده بود) خالی کنند. به نظر طرفداران این تز، این ذخایر می توانست برای سیستم پولی جهان غرب مخاطره آمیز باشد. اگر فی المثل صاحبان آن ها به یکباره تصمیم می گرفتند سپرده هایشان را از بانک ها بیرون بکشند عملاً نظام مالی غرب می خوابید. غرب در این فرضیه متهم می شود که با خلق انقلاب اسلامی در ایران و سپس ایجاد جنگ بین ایران و عراق ذخایر ارزی این دو کشور بعلاوه، اعراب را صرف خرید اسلحه و مهمات نموده و در نتیجه آن خطر احتمالی را از بین برده است. برخی نیز پای اسرائیل را به میان می کشند. طبق این فرضیه ارتش ایران در زمان رژیم شاه می رفت تا پنجمین نیروی نظامی بزرگ در دنیا شود. چنین نیروی نظامی می توانست برای رژیم صهیونیستی خطر بالقوه ای به حساب آید. ممکن می بود بر اثر کودتای نظامی در ارتش، سرهنگ قذافی یا جمال عبدالناصری به قدرت رسد و یا نیروی نظامی ایران به طریقی متوجه اسرائیل شود. صهیونیست ها با بوجود آوردن انقلاب اسلامی و سپس جنگ تحمیلی، دو نیروی عمده نظامی منطقه را عملاً خنثی نمایند.

ب. نقد و ارزیابی فرضیه های توطئه

شاید نیازی به توضیح نباشد که هیچ یک از معتقدین فرضیه های توطئه در حمایت از نظراتشان ادله و شواهدی ارائه نمی دهند. بعلاوه، غالباً پیش فرض های اولیه بسیاری از آن ها بی پایه و اساس است. به عنوان مثال:

۱. احدی در غرب دچار این تصور یا توهم نشده بود که ایران عنقریب به پای ژاپن خواهد رسید، چه رسد به این که بخاطر آن خواسته باشند شاه را از میان بر دارند. بالعکس، بسیاری از تحلیل گران واقع بین غربی معتقد بودند که پروژه های شاه غالباً بلند پروازانه، نامعقول و غیر واقع بینانه است. از جمله می توان به آثار «فرد هالیدی» [۱] تحت عنوان «ایران، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری» و «رابرت گراهام» [۲] تحت عنوان «ایران سراب قدرت» اشاره نمود. به علاوه روزنامه تایمز مالی و هفته نامه اکونومیست که هر دو در لندن منتشر می شوند و روز نامه لوموند در طی سال های ۵۶-۵۷ مقالات واقع بینانه تری از نابسامانی های برنامه های توسعه اقتصادی ایران به چاپ رساندند.

۲. به علاوه اگر سیاست غرب کلاً مبنی بر این بود که هیچ کشور دیگری نتواند جهش اقتصادی نماید، در این صورت ژاپن را هم که به کنار بگذاریم، علی القاعده کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ، مالزی، ترکیه، اسپانیا و... دیگر کشورهایی که پیشرفت های قابل ملاحظه ای داشته اند نیز می باید دچار انقلاب و دسیسه های غرب گشته و بجایی نمی رسیدند.

۳. اساساً رواج فرضیه های توطئه مابین ایرانیان یک مسئله عمیق روانشناسی اجتماعی می باشد و ربط چندانی به شواهد و ادله ندارد. این طور نیست که طرفداران این فرضیه توطئه یا آن یکی در نتیجه یک سری مطالعات و جمع

کردن انبوهی از شواهد و دلایل به فرضیات خود رسیده باشند. محمد رضا شاه گویاترین مصداق این بیماری بود. در طول ۳۷ سال سلطنتش، به خصوص در دو دهه آخر آن، هر مخالفی را آلت دست خارجی ها می دانست. مخالفین چپی خود را مرتبط با کمونیزم بین الملل یا ارتجاع سرخ می پنداشت، ملیون را وابسته به انگلیس و امریکا و مذهبی ها را عوامل مصر، سوریه، عراق و لیبی می دانست. بسیاری از خارجیانی که با ایرانیان تماس داشته اند از این پدیده با شپفتی یاد کرده اند. دو مستشرق انگلیسی که در اوج جنگ های داخلی ایران بین قوای مشروطه خواهان و محمد علیشاه به ایران سفر کرده بودند در کتابشان با تعجب می نویسند که آنچه مهم است نظرات و موضع گیری های دولتین روس و انگلیس می باشد تا نتیجه جنگ. نمونه های بارز آن « ویلیام سولیوان » و « آنتونی پارسونز » (سفرای وقت امریکا و انگلیس در ایران) و ژنرال هایزر می باشند که در دوران انقلاب تماس زیادی با ایرانیان داشتند. هر سه در خاطرات خود به این نکته اشاره می کنند (خاطرات سولیوان تحت عنوان « مأموریت در ایران » و خاطرات پارسونز تحت عنوان « غرور و سقوط » و خاطرات هایزر تحت عنوان « مأموریت در تهران »). هر دو سفیر می نویسند که ما دیگر به این سؤال شاه عادت کرده بودیم که از ما می پرسید چرا سیاست های دولت های متبوع شما در مورد من تغییر کرده است؟ شاه تا روزی که مرد به دنبال پاسخ این سؤال بود که چرا غربی ها و بالاخص امریکا سیاستشان را در مورد او تغییر دادند.

ویلیام سولیوان این باور شاه که جریانات ایران را در دوران انقلاب خارجی ها به راه انداخته اند، در یکی از ملاقات هایش با شاه این گونه بیان می کند: «... تا وقتی که مسائل جاری روز و اوضاع سیاسی کشور را مطرح نکرده بودم علامت ناراحتی در شاه مشاهده نشد، اما به محض این که مسائل سیاسی روز را عنوان کردم چهره اش درهم رفت و طرز صحبتش تغییر کرد. او ترجیح می داد که درباره بحران جاری کشورش صحبت نکند و هرچه سعی می کردم او را به حرف بیاورم با جملات منقطع به سؤال من پاسخ می گفت و سکوت اختیار می کرد. این طرز صحبت شاه و چهره غمگین او کاملاً برای من غیر عادی بود و به همین جهت بی اختیار و با لحنی که شاید کمی هم زننده بود پرسیدم: شما را چه می شود؟ با این سؤال من ناگهان عقده های دل شاه باز شد و در حدود ده دقیقه بدون وقفه حوادثی را که طی چند ماه اخیر در ایران روی داده از دیدگاه خود توضیح داد. شاه مجموعه این حوادث را به عنوان قانون شکنی و نقض حاکمیت دولت توصیف می کرد و می گفت طبقات مختلف اجتماعی از دانشجویان و کارگران گرفته تا بازاریان و عناصر وابسته به روحانیت شیعه به این جریان کشیده شده اند. اعتقاد او بر این بود که تظاهرات و فعالیت هایی که علیه رژیم انجام شده طبیعی و خود جوش نیست، بلکه برنامه از پیش طرح شده بر ضد رژیم است. شاه در تشریح و توضیح این نظر خود پای قدرت های خارجی را به میان کشیده و گفت آنچه پیش آمده از حدود توانایی و قابلیت ک. گ. ب خارج است و باید دست انتلیجنس سرویس و سازمان سیا هم در کار باشد. شاه مخصوصاً روی نقش انگلیسی ها در این ماجرا تأکید می کرد و می گفت انگلیسی ها بعد از ملی شدن نفت کینه او را به دل گرفته اند و چون زیر بار شرایط آن ها برای تمدید قرار داد کنسرسیون نفت نرفته دست به تحریک بر ضد او زده اند. شاه اخبار و گفته های رادیوی بی. بی. سی را که به تبلیغ نظرات مخالفان پرداخته و لحن انتقادآمیزی نسبت به رژیم او در پیش گرفته بود و به عنوان شاهد مدعی خود ذکر می کرد. اما آنچه شاه را بیشتر از همه رنج می داد

نقشی بود که سازمان سیا به خیال او در فعالیت های ضد رژیم بازی می کرد. او با شگفتی و ناراحتی می پرسید مگر با آمریکائیه چه کرده است که سیا بر ضد او دست به کار شده است؟ شاه به جریان مسافرتش به آمریکا و بازدید کارتر از ایران اشاره کرد و گفت او گمان می کرد که پس از این دید و بازدیدها و مذاکراتی که صورت گرفته روابط ایران و آمریکا بر پایه مستحکمی استوار شده و آمریکا از سیاست های او پشتیبانی می کند. حالا او می خواست بداند چه پیش آمده است که آمریکا از حمایت او دست برداشته؟ آیا او کاری کرده است که موجب نارضایی آمریکائیه شده؟ یا بین ما و روس ها توافق محرمانه ای برای تقسیم جهان صورت گرفته و ایران هم جزیی از این توافق است؟ از طغیان خشم و غضب شاه و حرف هایی که از زبان او شنیدم لحظه ای گیج و مبهوت شدم. او با لحن مردی سخن می گفت که ناجوانمردانه مورد خیانت واقع شده و گویی دادخواهی می کرد. شاه در تمام مدت صحبتش با حالتی پریشان و احساساتی سخن می گفت. به طوری که در پایان این صحبت ها واقعا متحیر بودم که چه واکنشی باید نشان بدهم.»

شاه در تمامی مصاحبه های رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی و مکالماتی خود با غربی ها و دیگران، بعد رفتن از ایران تا هنگام فوتش در سال ۱۳۵۹ مستقیم و غیر مستقیم و با صراحت، توطئه و برنامه ریزی های غربی ها و خارجی ها به عنوان عامل سقوطش معرفی می کند. از جمله در مصاحبه مفصلی که با مجله معرف انگلیسی «ناو» انجام می دهد باز هم همین مسئله را مطرح می کند، شاه تیترا مصاحبه را می گذارد: «چگونه آمریکائیه مرا سرنگون کردند.

پارسونز سفیر انگلیس هم عین همین مشکلات را با شاه دارد، مضافا به این که در مورد او بواسطه برنامه بخش فارسی رادیو بی.بی.سی این فکر را القا می کند که انگلیسی ها از مخالفین او پشتیبانی می کنند. در یکی از ملاقات هایشان که دیگر طاقت و تحمل پارسونز از شنیدن موضوع تکراری رادیو بی.بی.سی و نقش انگلیسی ها در جریانات ایران به تنگ آمده بود از کوره در می رود و به شاه می گوید «اگر واقعا کسی باور داشته باشد که دولت انگلستان در خفا با مخالفین شاه در زد و بند هست جایش در تیمارستان است.» در همان ملاقات پارسونز، که دیگر عرف دیپلماتیک را به کنار گذارده، به شاه می گوید «تهمت زدن به انگلیسی ها آسانتر از روبرو شدن با واقعیت است.»

۴. اگر مشکلاتی که آمریکا و مجموعه غرب و وابستگان آن ها پس از وقوع انقلاب اسلامی در منطقه و جهان با آن مواجه گردیده اند و از جمله ایجاد انتفاضه و حرکت های اسلامی در جهان اسلام و تهدید جدی امنیت رژیم صهیونیستی و آینده نامطمئن غرب به دلیل استراتژی حمله پیشدستانه آمریکا و جنگ هایی که امروزه آمریکا پا به میدان آن ها نهاده را مورد توجه قرار دهیم، در می یابیم که فرضیه های توطئه تا چه حد نابخردانه و سطحی هستند. آیا منطقی است که آمریکا با بلند کردن چوب انقلاب اسلامی چنین محکم بر مغز خود بکوبد تا احتمالا خطری در آینده از جانب یک رژیم کاملا طرفدار خود که ژاندارم آمریکا در منطقه بود و با حرکت های ضد آمریکایی به نیابت از آمریکا در می آمیخت، او را تهدید نکند؟

۵. انقلاب اسلامی و سپس فشارها و نیازهای ناشی از تحریم ها و جنگ، ایران را در مسیر رشد و توسعه قرار داد و ایران به پیشرفت هایی خیره کننده دست یافت. اکنون مشکل آمریکا و مجموعه غرب این است که چگونه جلو پیشرفت و تکامل علمی و تکنولوژی ایران را بگیرند. بنابراین، این تصور که غرب انقلاب اسلامی را به راه انداخت تا از تبدیل ایران به ژاپن خاورمیانه جلوگیری کند، توهمی بیش نیست؛ زیرا پیشرفت علمی و تکنولوژی همواره و از ابتدا از اهداف انقلاب اسلامی بوده و در این راه بسیار بیش تر از پیشرفت احتمالی رژیم شاه به موفقیت دست یافته است.

۶. این تصور که افزایش قدرت نظامی ایران برای امنیت رژیم صهیونیستی خطرناک بود نیز یک تصور واهی است. زیرا اولاً؛ رژیم شاه کاملاً در خدمت منافع آمریکا و اسرائیل قرار داشت و جداسدش از این منافع برای اسرائیل خطرناک بود. ثانیاً؛ اگر کمک ایران در قالب در اختیار قرار دادن خاک خود و تجهیزات نظامی به هواپیما های آمریکا برای تجهیز و تغییر آرم هواپیما ها به آرم اسرائیل و بمباران کردن پشت جبهه اعراب به نفع اسرائیل در جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل نبود، اسرائیل پیروز نمی شد. ثالثاً؛ با وقوع انقلاب اسلامی، رهبران رژیم صهیونیستی اعلام کردند که زلزله ای در خاورمیانه رخ داده که پایه های حکومتشان را می لرزاند.

۷. مارکسیست های طرفدار فرضیه توطئه قادر نیستند به این سؤال پاسخ دهند که چرا آمریکا، که به قول آن ها رژیم شاه با تضادهای درونی مواجه شده بود، راه را برای یک انقلاب اسلامی باز کرد؟ انقلابی که تهدید علیه منافع آمریکا را به فرض وجود خطر یک انقلاب مارکسیستی، واقعی کرد و جلو انداخت؟

نوشته های ترکیبی

الف (نوشته های دوعلتی

۱. نظریه انقلاب و مقاله تدا اسکاچپول ۲. نیکی کدی و کتاب ریشه های انقلاب ۳. محمدعلی کاتوزیان

ب (نوشته های سه علتی

نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون ، ایرواند آبراهامیان، و محسن میلانی

ج (نوشته های چند علتی

۱. جerald گرین ۲. جان فوران ۳. مایکل فیشر ۴. عمادالدین باقی

سایر نوشته ها

الف (ویلیام سولیوان ب) آنتونی پارسونز ج (زیگنیو برژینسکی د) ژنرال رابرت هایزر ه (ارتشبد عباس قره باغی و) فریدون هویدا ز (جیمز بیل ح) محمود طلوعی ط (جیمز دفرنزو ی) کتاب «تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران»

جمع بندی

در جامعه مسائلی وجود دارد که اگر حل نشود، تبدیل به چالش می شود و اگر حل شوند، فرصت های جدید ایجاد می کنند. در واقع اگر چالش های زمان را درک کنیم می توانیم ریشه های انقلاب را کشف کنیم.

بنابراین برای تبیین صحیح علل شکل گیری انقلاب اسلامی ایران باید به بررسی تاریخ معاصر ایران پرداخت زیرا انقلاب اسلامی ریشه در تاریخ صد ساله ایران دارد. اولین چالش و مشکل اساسی که مردم با آن مواجه شدند و در نهضت تنباکو با آن به مبارزه برخاستند چالش استعمار و استقلال خواهی بود و این مشکل تا زمان انقلاب اسلامی وجود داشت (در زمان مشروطه، به قدرت رسیدن رضاخان و بویژه محمد رضا شاه) و یکی از چالش های عمده مردم در زمان انقلاب اسلامی نیز همین بود. دومین چالش جدی مردم با حکومت که باعث نارضایتی عمیق شده بود استبداد بود که مبارزه جدی با آن با انقلاب مشروطه شروع گردید و تا انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد. سومین چالش و مشکل، عدم توجه حکومت ها بویژه رژیم پهلوی به اعتقادات و دین مردم بود که با سیاست کشف حجاب، اسلام ستیزی و مخالفت با علما و مراجع همراه بود.

در واقع شعار مردم « استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی » تبیین کننده چالش های موجود و علت اصلی بوجود آمدن انقلاب اسلامی است.

با توجه به مطالب فوق و نقد دیدگاه های غیر فرهنگی، دیدگاه های فرهنگی تأیید می شود. اما تبیین صحیح تر آن همان است که ما در جمع بندی متذکر شدیم. البته این به معنی نادیده گرفتن نقش سایر عوامل نیست. بلکه معتقدیم نقش اصلی و قاطع وقوع انقلاب اسلامی عامل « استقلال مبارزه با استعمار ، آزادی مبارزه با استبداد و جمهوری اسلامی مبارزه با سیاست های دین ستیزی » است.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. کرین برینتون، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳

۲. حامد الگار، انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیدری، تهران: قلم، ۱۳۶۰

۳. حسین بشیریه، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: پگاه، ۱۳۷۲

۴. چالمرز جانسون ، تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳
۵. محمد باقر حشمت زاده ، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران ، تهران: موسسه فرهنگی دانش واندیشه معاصر، ۱۳۷۸
۶. عبد الوهاب فراتی (گردآورنده)، رهیافتهای نظری بر انقلاب اسلامی ، قم: معاونت امور اساتید، ۱۳۷۷
۷. ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم، ۱۳۷۰
۸. مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه های انقلاب ، تهران: قومس ، چ دوم ، ۱۳۷۶
۹. سید صادق حقیقت، علل و عوامل پیروزی انقلاب اسلامی، قم: طه، ۱۳۷۷
۱۰. صادق زیباکلام ، مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران: روزنه، ۱۳۷۲
۱۱. محمد رضا پهلوی ، (اعترافات) پاسخ به تاریخ، ترجمه منوچهر مهر جو، تهران: هفته، ۱۳۶۲
۱۲. ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰
۱۳. مجموعه مقالات حدیث انقلاب ، تهران: الهدی، ۱۳۷۷
۱۴. میشل فوکو، ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس، ۱۳۷۷
۱۵. آلوین استانفورد کوهن، تئوری های انقلاب ، ترجمه علیرضا طیب ، تهران: قومس ۱۳۶۹
۱۶. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران ، ترجمه فضل الله نیک آئین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۸
۱۷. محمد علی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چ ۳، ۱۳۷۲
۱۸. جان فوران ، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
۱۹. رهبر مهدی، اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۰. شکاری عبدالقیوم، نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ج. چگونگی انقلاب اسلامی

۱-زمینه ها و بسترهای فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی

یعنی: بخشی از ذهنیت و پیشینه های ذهنی افاد جامعه، مربوط به باورها، اعتقادات و ارزش های پذیرفته شده مردم است که به عنوان مسلمات و بدیهیات مفروض، آن ها را پذیرفته اند و در رفتارهای سیاسی و اجتماعی خود از آن ها الهام می گیرند.

سوال : اگر مردم بستری جز بستر اسلامی و تشیع داشتند ، آیا انقلاب بازهم رخ می داد ؟

مقدمه

اندیشه سیاسی در اسلام یک ویژگی اساسی دارد که عبارت است از حضور وحی در جامعه اما چون این وحی همواره محتاج تفسیر می باشد، لذا تفسیرهای متفاوتی از آن پیدا شده و برای توجیه آن ها استدلال های عقلی فراوانی بوجود آمده است.

نخستین تفسیرها درباره حکومت بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) آغاز شد. به طور کلی انسان در زندگی سیاسی خود با سه مسئله مواجه است. مثلث « خدا ، انسان و حکومت ». متفکران بزرگ اسلامی هر کدام تفسیری از رابطه این مثلث داشته اند. و در عرصه مبانی مکتوب در قلمرو تمدن اسلامی با ۶ مبنای مهم روبرو هستیم. جبریه یا مرجئه، خوارج، معتزله، اشاعره، باطنیه و امامیه.

اندیشه های کلامی مسلمانان عصر تدوین

الف. اندیشه های کلامی شیعه

دوره اول: در قرن سوم ظاهر شد و شخصیت آن ها شیخ مفید و خاندان نوبختی و سید مرتضی بود که در مقابل معتزله استدلال می کردند.

دوره دوم: با مرحوم خواجه نصیر طوسی در قرن ۷ هجری ق شروع شد که در مقابل اشاعره استدلال می کردند.

دوره سوم: در قرن ۸ با علامه حلی آغاز شد. ویژگی این دوره: استدلال به حیات سیاسی مسلمانان در دوره غیبت است که به نظریه ولایت فقیه منجر می شود. که کلام شیعه به اوج خود می رسد.

ب. اندیشه های کلامی اهل سنت

دیدگاه اول: اندیشه معتزله که معتقدند:

۱. انسان در این دنیا مسئول عمل خویش است نه خداوند - اصل آزادی تکوینی انسان به عبارت دیگر خداوند اراده ی خود را به انسان داد .

۲. خداوند هرگز خلاف عقل عمل نمی کند - اصل تقدم عقل بر وحی

۳. به وجوب عقلی حکومت تکیه می کنند و انتخابش را بعهده مسلمانان می گذارند. به عبارت دیگر حکومت را عقلای قوم (اهل حل و عقد) مشخص می کنند . در صورت انتخاب حتی اگر حکومت فاسد باشد ، بیعت شکسته نمی شود ، مگر آنکه از لحاظ عملی اتفاق خاص دیگری افتد . آنها خروج بر حکومت اموی را هم حرام می دانستند . البته الآن هم ، همچنین نظری دارند و اگر به چنین طرز فکری توجه کنیم ، بروز انقلاب بعید است . درواقع حتی اگر استبداد و استعمار هم وجود داشته باشد ، خروج از حکومت حرام است .

دیدگاه دوم: اندیشه اشاعره

اندیشه جبری به طور کلی از تفکر اهل سنت حذف شد و با سیطره کلام اشعری اندیشه های مشهور اهل سنت آغاز شد. که معتقدند:

۱. عقل انسان توان اداره درست زندگی را ندارد آخرین وظیفه عقل اثبات ضرورت وحی است و بعد از آن

تعطیل می شود - تقدم وحی بر عقل

۲. خداوند خالق افعال انسان است، انسان مسئول اعمال خودش نیست، اما مسئول نیت خودش است و به خاطر

نیتش عذاب یا ثواب می شود - اصل کسب به عبارت دیگر خداوند قادر مطلق است و انسان هیچ اراده ای

ندارد و در رابطه با حکومت معتقدند که «الحق لمن غلب» هر که قوی تر باشد حکومت برای اوست . (همان

حرفی که معاویه میزد که اگر علی (ع) حق بود ، کشته نمی شد .)

۳. نظریه علما در باره احکام و همین طور تصمیم حاکمان درباره سیاست چون متکی بر مبانی قران، سنت و

اجماع است الزاما درست هستند و خداوند به اندازه مجتهدین که حاکم نیز یکی از مجتهدین است حکم

درست دارد = اصل تصویب

بنابراین با شرایطی که ایران داشت (حکومت مقتدر شاه با پشتوانه آمریکا و...) اگر غیر از تفکر شیعی حاکم بر مردم

بود ، اصلاً انقلاب رخ نمی داد .

منابع بالقوه مکتب تشیع که مردم با تاسی به آن انقلاب کردند عبارتند از:

۱. تعالیم اسلام (اعتقاد به قرآن و پیروی از عملکرد و سیره پیامبر (ص) و ائمه، جامعیت اسلام و مسئولیت

انسان در برابر آینده و سرنوشت خود و جامعه اش)

۲. اصل امامت (مفهوم امامت، ماهیت انقلابی امامت و ضرورت امام شناسی)

۳. قیام عاشورا (الگوی عملی مبارزه، و انگیزه قیام امام حسین (ع) به عنوان سیره نظری آن حضرت مورد پیروی و عمل شیعیان است)

۴. اصل مهدویت و غیبت (مفهوم انتظار و آمادگی روحی و معنوی، عدم مشروعیت همه حکومت ها در عصر غیبت و فقیه جامع الشرایط عهده دار مسئولیت اداره حکومت و رهبری جامعه است.)

۵. اصل اجتهاد (پیروی مردم از مجتهدین عصر خود در مسایل سیاسی و اجتماعی)

با توجه به منابع فوق بود که مردم ایران توانستند بر علیه رژیم پهلوی قیام کنند و به پیروزی برسند.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۵

۲. سید محمد حسین طباطبائی و دیگران، اندیشه های بنیادی اسلامی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۱

۳. روح الله حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران - چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۴. محمد شفیعی فر، مبانی فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی، قم: نشر معارف

۵. محمد شجاعیان، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی

۶. فرهاد شیخ فرشی، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۷. یدالله هنری لطیف پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۸. پناهی محمدحسین، جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی

۹. فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۲- زمینه های عینی و تاریخی

یعنی: بخش دیگری از ذهنیت جامعه ممکن است مربوط به تاریخ و هویت تاریخی و افتخارات و سوابق درخشان هر ملت باشد که موجب اتصال آن ملت به گذشته تاریخی خود می شود، ریشه های تاریخی و تجربی انقلاب اسلامی، این بخش از زمینه های ذهنی را پوشش می دهند.

الف - جنبش تنباکو (از کتاب مطالعه شود)

منابع جهت مطالعه بیشتر

- ۱- موسی نجفی و رسول جعفریان ، سده تحریم تنباکو ، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۲- حسن اصفهانی کربلایی و رسول جعفریان، تاریخ دخانیه ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۳- جلال الدین مدنی ، تاریخ سیاسی معاصر ایران ، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه

ب - نهضت مشروطه

ریشه ی انقلاب مشروطه :

به علت جنگ های ۱۰ و ۳ ساله ی ایران با روسیه ، زمین های حاصلخیزی از ایران جدا شد و در نتیجه ی آن دو عهدنامه ی « گلستان » و « ترکمن چای » بر ایران تحمیل گردید . در نتیجه ، بحران اقتصادی پیش آمد و به علت استبداد و نالیافتی سران قاجار و نفوذ بیگانگان ، سران قاجار به فروش امتیاز روی آوردند و با بروز جنبش تنباکو ، آنها به گرفتن وام های سنگین از روسیه و انگلیس پرداختند . به علت واگذاری گمرک شمال به روسیه و جنوب به انگلیس ، تعرفه ی کالاهای صادرات به خارج به بیش از ۵ تا ۲۵ درصد و کالاهای وارداتی به کشور زیر ۵ درصد رسید ، در نتیجه صنایع ایران مثل صنعت نساجی به افولیت گرایید . بنابراین مدیران به سوی فروش و مزایده ایلات ایران روی آوردند ، مالیات ها و ظلم بیشتر شد ، کشاورزان با توجه به قحطی و ورشکستگی ها ، به روحانیون روی آوردند . اولین خواست علما این بود که « عدالتخانه » در جامعه تشکیل شود ، پس مهمترین عامل این انقلاب ، مبارزه با ظلم و استبداد بود که در انقلاب اسلامی نیز ، امام خمینی (ره) از این وقایع الهام گرفتند . از آنجایی که انقلاب مشروطه یک بعدی بوده و فقط مبارزه با استبداد بوده است ، منجر به انحراف بعضی افراد به استعمار شد ، یعنی در سفارت خانه ها تحصن کردند ، پس انقلاب مشروطه خیلی موفق نبود . در پیروزی مشروطه « روشن فکران » و « روحانیون » نقش داشتند . اولی با تحصن در سفارت و دومی با مهاجرت صغری و کبری . (ادامه از کتاب مطالعه شود)

پیامدهای مشروطه :

- ۱- مفاهیمی مثل آزادی ، قانون اساسی ، پارلمان و ... برای اولین بار در آلمان مطرح شد .
- ۲- انقلاب مشروطه ی ایران از لحاظ تجربی زمینه ی خوبی برای انقلاب اسلامی ایران شد .

۳- پیامدهای منفی : ۱۴ سال هرج و مرج ، ناامنی ، قحطی و درنهایت دیکتاتوری رضاخان(در زمان انقلاب مشروطه جمعیت ایران بین ۱۹ تا ۲۰ میلیون بوده است که بدلیل قحطی و ناامنی ها بین ۹ تا ۱۰ میلیون از ایرانیان از بین رفتند .)

۴- اندیشه ی ظلل الهی زیر سؤال رفت: پادشاه سایه ی خدا برروی زمین بود . که جایگاه خود را درمیان مردم از دست داد.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. رسول جعفریان ، بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت ایران، قم: طوس، ۱۳۶۹
۲. ابراهیم صفائی ، تاریخ مشروطیت به روایت اسناد، تهران: ایران یاران، ۱۳۸۰
۳. اسماعیل رائین، انجمن های سری درانقلاب مشروطیت، تهران: جاویدان، ۱۳۵۵
۴. مهدی ملک زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی، ج ۴، ۱۳۷۳
۵. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام اکبر سعیدی ، تهران: آگاه، ۱۳۶۱
۶. محمد حسن ادیب هروی، تاریخ پیدایش انقلاب مشروطیت ایران، مشهد: ۱۳۳۱
۷. پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران: عطائی، ۱۳۶۳
۸. عباس اسکندری، تاریخ مفصل مشروطیت ایران، تهران: غزل، ۱۳۶۱
۹. حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۵۶
۱۰. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰
۱۱. جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: فرزانه، ۱۳۷۵
۱۲. ابراهیم صفائی ، رهبران مشروطه، تهران: فرهنگ و هنر، ۱۳۵۶
۱۳. ا.ک.اس لمبتون، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاودان خرد، ۱۳۷۵
۱۴. حسین آبادیان، بحران مشروطیت در ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۳